



# مجله حقوقی



دوره ۸ - شماره ۲۶ - زمستان ۱۴۰۴

تحلیل مسئولیت بانک گشاینده در حقوق اعتبارات اسنادی

همایون مافی، محسن رئیسی

نقش هوش مصنوعی در بهبود فرآیندهای تحقیق کیفری و تحلیل شواهد دیجیتال در نظام حقوقی ایران

امیررضا محمودی، زهرا رهنما

بازخوانی تعهدات قراردادی در شرایط تورم شدید؛ تحلیلی از ظرفیتهای تعدیل در حقوق ایران

شیمیا شکوری بلقور، قاسم نبی زاده کبریا

آسیب شناسی سیاست کیفری ایران در قبال جرائم بقی، محاربه و افساد فی الارض در پرتو مفهوم امنیت ملی و ثبات سیاسی کشور

روح الله شیخی، محمد محمودی

چهارچوب مسئولیت مدنی ناشی از فعالیت‌های تفریحی پرخطر؛ مطالعه اتاق‌های فرار

رحیم مختاری، غلامحسین کشاورز

دعاوی ناشی از مالکیت فکری در نظام حقوقی ایران

سیدمحمدباقر حقایقی، محمدرضا نصیری، امیرحسین ابوالحسنی

تحلیل جرم‌شناختی جرایم حوزه رمزارزها: مطالعه کلاهبرداری‌های رایج در ایران

حسین محمودی تکانلو، رویا آسیایی

راهبردهای پیشگیرانه از جرم رانت خوری در سیاست کیفری ایران با تأکید بر چالش‌ها و خلأهای جرم‌شناختی

فاضل موحدی، حمیدرضا کناری زاده، داود سلمانپور

واکاوی اصل تناسب میان جرم و مجازات در ساختار دیوان کیفری بین‌المللی

حسن پیرفلک لسکوکلایه، طیبه قدرتی سیاهمزیگی

توافق طرفین قرارداد در تعیین ادله اثبات دعوا

حبیب اله عبدالله پور، مهدی شجاعی

عملکرد دادگاه‌های کیفری در پیشگیری از جرم: با نگاهی به جرم‌شناسی انتقادی و تمرکز بر نظام قضایی ایران

ایرج مروتی، نغمه فرهود

مسئولیت دولت‌ها در قبال تروریسم بین‌المللی و دیپلماسی ضدتروریسم

مسعود سرفرازی صالح، مهدی قره داغی

پایان حکمرانی متمرکز: تحلیل ظهور حکمرانی غیرمتمرکز در عصر بلاکچین و قراردادهای هوشمند

هادی زارع، مجید وزیری

تحلیل تطبیقی حمایت‌های جبرانی تأمین اجتماعی در قبال خسارت بدنی و دامنه شمول زیان‌دیدگان در ایران و انگلستان

زینب تاری

انتقال دعاوی در نظام حقوقی ایران با تأکید بر مقررات و ماده‌های منتخب قانون ثبت اسناد و املاک

امیررضا علی تبار

جایگاه هوش مصنوعی در پهنه سیاستگذاری جنایی

محبوبه طالبی رستمی

تعهد به ایمن‌سازی داده‌ها به‌عنوان تعهد به نتیجه یا تعهد به وسیله در حقوق خصوصی

سیدامیرحسین مصطفوی

مسئولیت کیفری شرکت‌های فناوری در قبال جرائم ارتكابی کاربران

وحید کیومرثی

مسئولیت مدنی ناشی از پردازش خودکار داده‌های شخصی توسط هوش مصنوعی در حقوق ایران و افغانستان

(با نگاهی به اسناد بین‌المللی)

راضیه جعفرزاده، وحید حمیدی، محمدرضا رشید

بررسی تأثیر آگاهی حقوقی و شفافیت در پیشگیری و کاهش فساد اداری و مالی

سیده مهشید میری بالاچورشری

مالکیت داده‌های شخصی در حقوق خصوصی؛ از حق شخصیت تا مال غیرمادی

سینا یوسفی

مسئولیت مدنی پزشک و سازنده ربات در جراحی‌های رباتیک نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان

ابراهیم شیروانی

تحلیلی بر مسئله اخذ خسارت تأخیر تأدیه از محکوم به دولتی

محمد مهدی رضوانی فر، زهرا سلیمی

آثار حقوقی و اداری تملک بر وضعیت ثبتی املاک در نظام حقوقی ایران

احسانه وثوقی منفرد، محمد وارسته بازقلعه

دیپلماسی اقتصادی و حقوق قراردادهای بین‌المللی خصوصی؛ تعامل سیاست و حقوق در تأمین منافع ملی

رادمهر رحمانی گل افشان

پذیرش تشخیص تقلب مبتنی بر هوش مصنوعی در بانکداری: نقش اعتماد، شفافیت و ادراک انصاف در موسسات مالی در

ایران، امارات متحده عربی و قطر

عبدالمجید یوسفی

جرم‌شناسی جنگ در واقعیت‌های کنونی و لزوم توسعه آن در اوکراین

یاسر شاکری



## Performance of Criminal Courts in Crime Prevention: A Critical Criminology Perspective with Focus on Iran's Judicial System

Iraj Morvati

PhD student in criminal law and criminology, lecturer at Islamic Azad University, Shahr-Quds branch, Shahr-Quds, Iran (Corresponding Author)

Naghme Farhood

Assistant Professor, Department of Criminal Law & Criminology, North Tehran Branch (NT. B), Islamic Azad University, Tehran, Iran

## عملکرد دادگاه‌های کیفری در پیشگیری از جرم: با نگاهی به جرم‌شناسی انتقادی و تمرکز بر نظام قضایی ایران

ایرج مروتی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس، شهرقدس، ایران (نویسنده مسئول)

erajmorvati7@gmail.com

http://orcid.org/0009-0000-0400-316x

نغمه فرهود

استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

naghme.farhood@gmail.com

### Abstract

One of the critical criminological theories that emerged in the 1990s and introduced a systematic explanation of postmodernism into criminological writings is postmodern or eclectic criminology. Unlike the skeptical varieties of postmodernism that have infiltrated the humanities and social sciences, postmodern criminology offers a positive approach and, despite accepting postmodernism's criticisms of modernism, and in particular, realist empiricism, does not believe in nihilism and subjectivism. This theory does not accept the single-dimensional readings of crime that existed in criminologist before it and, by combining different theories from different scientific disciplines and using all the rivers of thought that flow into the sea of postmodernism, attempts a comprehensive analysis. In postmodernism, the cause of crime is not linear and predictable, but is sensitive to initial and unpredictable conditions. Thus, using an analytical-descriptive method, we aim to explore and analyze the theoretical and intellectual dimensions of postmodern criminology on crime, including conceptualization and etiology. This article, with an approach based on critical criminology, examines the performance of Iranian criminal courts in crime prevention. The findings show that although criminal courts have numerous legal tools for prevention, focusing solely on punishment without paying sufficient attention to the social structures that because crime has reduced the effectiveness of prevention. Also, social inequalities and the role of power in the formation of crime are rarely considered in judicial decisions. The present study, by analyzing several case studies in Iranian criminal courts, shows the existing limitations and challenges and offers solutions based on a critical criminology approach to improve prevention.

**Keywords:** Criminal Courts, Crime Prevention, Critical Criminology, Iranian Judicial System, Criminal Justice.

### چکیده

یکی از نظریه‌های جرم‌شناسی انتقادی که از دهه ۱۹۹۰ میلادی متولد شد و تبیینی نظام‌مند از پست‌مدرنیسم را وارد نوشتگان جرم‌شناسی کرد، جرم‌شناسی پست‌مدرن یا التقاطی است. برخلاف گونه‌های شکاکانه پست‌مدرنیسم که به علوم انسانی و اجتماعی نفوذ کرده است، جرم‌شناسی پست‌مدرن یک رویکرد مثبت ارائه می‌کند و به‌رغم پذیرفتن انتقادات پست‌مدرنیسم بر مدرنیسم و به‌طور خاص تجربه‌گرایی تحققی، باوری به پوچ‌انگاری و ذهن‌گرایی ندارد. این نظریه، خوانش‌های تک‌ساختی از جرم که در جرم‌شناسی‌های پیش از خود وجود داشته است را نمی‌پذیرد و با ترکیب نظریه‌های مختلف از رشته‌های علمی گوناگون و استفاده از تمام رودهای فکری که به دریای پست‌مدرنیسم می‌ریزند، سعی در تحلیلی همه‌جانبه دارد. در پست‌مدرنیسم علت جرم، خطی و قابل پیش‌بینی نیست بلکه حساس به شرایط اولیه و غیرقابل پیش‌بینی دقیق است. این پژوهش به روش تحلیلی-توصیفی به واکاوی و تحلیل ابعاد نظری و فکری جرم‌شناسی پست‌مدرن در مورد جرم، اعم از مفهوم‌شناسی و علت‌شناسی، پرداخته است. این پژوهش با رویکردی مبتنی بر جرم‌شناسی انتقادی، عملکرد دادگاه‌های کیفری ایران را در پیشگیری از جرم مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهند که اگر چه دادگاه‌های کیفری ابزارهای قانونی متعددی برای پیشگیری دارند، تمرکز صرف بر مجازات بدون توجه کافی به ساختارهای اجتماعی جرم‌زا، موجب کاهش اثربخشی پیشگیری شده است. همچنین نابرابری‌های اجتماعی و نقش قدرت در شکل‌گیری جرم، به‌ندرت در تصمیمات قضایی لحاظ می‌شود. پژوهش حاضر با تحلیل چند مطالعه موردی در دادگاه‌های کیفری ایران، محدودیت‌ها و چالش‌های موجود را نشان داده و راهکارهایی مبتنی بر رویکرد جرم‌شناسی انتقادی برای بهبود پیشگیری ارائه می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** دادگاه‌های کیفری، پیشگیری از جرم، جرم‌شناسی انتقادی، نظام قضایی ایران، عدالت کیفری.

Received: 2025/12/22 - Review: 2026/02/19 - Accepted: 2026/03/09

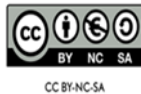
دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۱۲/۲۲ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۱۹ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۰۹

ارجاع:

مروتی، ایرج؛ فرهود، نغمه؛ (۱۴۰۴)، عملکرد دادگاه‌های کیفری در پیشگیری از جرم: با نگاهی به جرم‌شناسی انتقادی و تمرکز بر نظام قضایی ایران، تمدن حقوقی، شماره ۲۶.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



**مقدمه**

از منظر جرم‌شناسی انتقادی، ناکارآمدی نسبی دادگاه‌های کیفری در پیشگیری از جرم به دلیل تمرکز بیش‌ازحد بر مجازات فردی و نادیده گرفتن عوامل ساختاری و اجتماعی جرم‌زا، مانند نابرابری اقتصادی، تبعیض طبقاتی و نژادی و فقدان حمایت‌های اجتماعی است. این رویکرد انتقادی استدلال می‌کند که سیستم عدالت کیفری، به جای پیشگیری از جرم، اغلب به بازتولید نابرابری‌ها و حاشیه‌نشینی گروه‌های آسیب‌پذیر کمک می‌کند، زیرا به جای ریشه‌کن کردن علل جرم، صرفاً به سرکوب و کنترل رفتارهای مجرمانه می‌پردازد. این دیدگاه تأکید دارد که دادگاه‌های کیفری، با اولویت دادن به مجازات به جای اصلاح و بازپروری و ناتوانی در مواجهه با ساختارهای قدرت و سلطه، نمی‌توانند به‌طور مؤثر از وقوع جرم پیشگیری کنند (Quinney, 1977).

از سده چهاردهم میلادی تا اواسط دهه ۱۹۵۰ میلادی را می‌توان دوران تولد، تکامل و در نهایت غروب خورشید مدرنیته<sup>۱</sup> دانست، خورشیدی که به هنگام تابش مستقیم در ظهر مدرنیته، موجب تحقق روشنگری در سده هجدهم میلادی شد. شعار روشنگری جرأت تکیه بر عقل برای حل مشکلات

۱- از منظر گفتمان پست‌مدرن

بشری و پیشرفت بود.<sup>۲</sup> پیشگیری از جرم در نظام عدالت کیفری ایران، یکی از موضوعات حیاتی و پیچیده‌ای که همواره توجه مسئولان و پژوهشگران را به خود جلب کرده است. دادگاه‌های کیفری، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی این نظام، در صدور احکام و اجرای مجازات‌ها نقش کلیدی دارند و می‌توانند با اتخاذ راهکارهای مؤثر، در کاهش وقوع جرم تأثیرگذار باشند. اما عملکرد این دادگاه‌ها، به‌ویژه از دیدگاه جرم‌شناسی انتقادی، با چالش‌هایی روبرو است که نیازمند بازنگری و اصلاح است.

جرم‌شناسی انتقادی که بر ساختارهای اجتماعی، نابرابری‌ها و نقش قدرت در تعریف و کنترل جرم تأکید دارد، معتقد است که پیشگیری از جرم نباید تنها به مجازات فردی محدود شود بلکه باید به اصلاح ریشه‌ای ساختارهای اجتماعی نیز بپردازد. در نظام قضایی ایران، تمرکز غالب بر مجازات و کم‌توجهی به عوامل اجتماعی جرم‌زا، موجب شده تا نقش دادگاه‌ها در پیشگیری از جرم به‌طور کامل ایفاء نشود.

ایمان به پیامبر عقل و خرد به جای پیامبر آسمانی دوران پیشامدرن، تنزل از آسمان مابعدالطبیعه به زمین تجربه و آزمایش و مرکز قرار دادن سوژه نسبت به ابژه را به همراه داشت. چنین رویکردی به تدریج در همه علوم نفوذ کرد و جرم‌شناسی نیز بی‌نصیب از دستاوردهای آن نبود. رویکرد تحقیقی یا اثبات‌گرایی<sup>۳</sup> موجود در علوم طبیعی تولد جرم‌شناسی را نیز به‌عنوان علمی که به چرایی پدیده

۲- در عصر روشنگری کانون توجه به ماهیت، ساختار، کارکرد و رفتار ذهن یا عقل معطوف گردید که به‌گونه‌ای بسیار موفقیت‌آمیز جهان مادی و دنیای طبیعی را تحت نظارت داشته و به دخل و تصرف و بهره‌برداری از آن می‌پرداخت. در این دوران پیروان دو مشرب فلسفی عمده یعنی عقل‌گرایان و تجربه‌گرایان بر سر کسب تفوق و اثبات صحت و برتری ادعاهای خود با هم در حال مناقشه بودند؛ تا این که کانت آمیزه و سنتزی جامع از عقل و تجربه ارائه می‌کند (نوذری، ۱۴۰۲، ۱۰۶).

۳- از ابتدای قرن هفدهم میلادی تا اواسط قرن بیستم میلادی رشد تفکرات علمی تحت تأثیر مستقیم اثبات‌گرایی قرار داشت. اصطلاح فلسفه اثباتی را آگوست کنت رواج داد. این اصطلاح بعدها به‌صورت اثبات‌گرایی درآمد. او که از کشمکش‌های انقلابی خسته شده بود، خواهان ثبات بود. وی این نظم جدید را در برابر اصول متافیزیکی جست‌وجو می‌کرد. کنت که خواهان توسعه علم شناخت جامعه بود، روش‌های علوم طبیعی را الگوی مناسبی برای علم جدید می‌دانست. از روزگار کنت اصطلاح پوزیتیویسم برای مشخص کردن رویکردهایی به علوم اجتماعی با توجه به مجموعه عظیم داده‌ها و اندازه‌گیری‌های کمی و روش‌های آماری استفاده شده است (مجیدی، ۱۳۸۹، ۱۲۷).

مجرمانه می‌پردازد، به ارمغان آورد. از سال ۱۸۷۶ میلادی که جرم‌شناسی متأثر از چنین دیدگاهی متولد شد تا دهه ۱۹۵۰ میلادی، جرم‌شناسان تنها از یک پنجره پدیده مجرمانه را به تماشا می‌نشستند؛ در نتیجه تنها تفاوتی که در دستاوردهای فکری آن‌ها وجود داشت، تغییر فصول منظره مورد تماشا بود، لکن منظره واحد و ثابت بود تا این که صداهایی از پشت ساختمان فکری جرم‌شناسان، آن‌ها را بر آن داشت تا دیوارها فرو ریزند و از جزمیت و تک‌بعدی‌نگری خارج شوند.

جرم‌شناسان تا چه هنگام قادر بودند که با آوار کردن تمام مشکلات بر مجرمان، ابعاد شخصیتی آن‌ها را لگدمال کرده و از آن‌ها موجوداتی بسازند متشکل از کروموزوم‌های ناقص، روان آشفته و یا شخصی فقیر در یک خانواده ازهم‌پاشیده و محیط نابه‌سامان. جرم‌شناسان باید از برج عاج پایین می‌آمدند، جیره‌خواری قدرت حاکم را فراموش می‌کردند و از نگاه به جرم به‌عنوان موضوع<sup>۴</sup> واقعی دست می‌شستند. این اتفاقات با جرم‌شناسی انتقادی به منصفه ظهور رسید. از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی این برج‌سب برای الصاق بر هر نظریه‌ای که به نحوی منتقد جرم‌شناسی تحقیقی یا به تعبیر منتقدان، جرم‌شناسی رایج، لیبرال، سنتی، رسمی یا جریان اصلی است، حتی نظریه‌ای مانند برج‌سب‌زنی که از لحاظ تاریخی قبل از آن است، به کار گرفته می‌شود.

هاوارد بکر با طرح نظریه برج‌سب‌زنی در کتاب غریبه‌ها در سال ۱۹۶۳ میلادی از خوانش‌های جرم‌شناسی تحقیقی در مورد مجرم تا حدی فاصله گرفت و پرسش جرم‌شناسی از این که مجرمان چه نوع اشخاصی هستند؟ و چرا مرتکب جرم می‌شوند؟ به پرسش از این که چرا برخی رفتارهای خاص، جرم‌انگاری می‌شوند؟ تغییر پیدا کرد. از نظر بکر جامعه، کجروی را خلق می‌کند، به این معنا که «گروه‌های اجتماعی با تعیین قواعدی که نقض آن‌ها به کجروی شکل می‌دهند و با کاربرد این قواعد در مورد اشخاص خاص و زدن برج‌سب غریبه یا بیگانه به آن‌ها، کجروی را می‌آفرینند» (گوردون، ۱۳۸۸، ۶۲۰). برج‌سب‌هایی که برای ایجاد مقولات کجروی به کار گرفته می‌شوند، بیانگر ساختار

قدرت جامعه هستند و قواعدی که انحراف به وسیله آن‌ها تعیین می‌شود و زمینه‌هایی که در آن، قواعد یادشده به اجرا در می‌آیند، اغلب به وسیله «ثروتمندان برای فقرا، به وسیله مردان برای زنان، به وسیله بزرگسالان برای جوان‌ترها و به وسیله اکثریت قومی برای گروه‌های اقلیت چهارچوب‌بندی می‌شوند» (گیدنز، ۱۳۹۸، ۱۶۲).

نظریه برچسب‌زنی به‌رغم نقاط قوت و بدیع بودن، نکوهش شد. منتقدین بر این باور بودند که اندیشه بکر در مقابله با منابع ساختاری گسترده‌تر قدرت و اقتدار و همچنین برطرف کردن اختلاف طبقاتی فاحش اجتماعی در ثروت و موقعیت ناتوان است و همچنین به منافع سیاسی و اقتصادی گسترده‌تری که در بخش دولتی و صنعتی و مالی شرکت‌ها تعبیه شده است، توجهی ندارد. در نتیجه، نارضایتی از رویکرد تحقیقی و ضعف‌های نظریه برچسب‌زنی، گروهی از جرم‌شناسان را بر آن داشت تا اقدام به طرح یک نظریه کاملاً اجتماعی از انحراف و نه فقط یک بیانی از واکنش‌های اجتماعی، نمایند. در واقع، نسلی از اندیشمندان به دنبال تغییر لنز جرم‌شناسان از شخصیت و وضعیت فرد منحرف و رفتار وی که در جرم‌شناسی تحقیقی برجسته بود، به سمت الگوهای اجتماعی و تاریخی بودند که انحراف را به‌عنوان موضوعی از مداخله اجتماعی دولت تحلیل کند. این تلاش باعث شد تا زمین لم‌یزرع جرم‌شناسی تحقیقی در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی با رنگ جرم‌شناسی انتقادی که یک رویکرد رادیکال را به جرم و انحراف پیشنهاد نمود، درخشان شود. این رویکرد با سیمای نوین و متفاوتش یک طرح انتقادی را به کارزار فرستاد «که از حیث هنجاری متعهد به براندازی نابرابری‌های ثروت و قدرت است».

جرم‌شناسی انتقادی قائل به این موضوع است که جرم‌شناسی، دولتی بوده و خود را مقید به وضع اجتماعی موجود کرده است درحالی‌که بایسته آن است که برای کنترل جرم، پیگیر تغییر وضع اجتماعی موجود بود نه تحلیل آن. جرم‌شناسی انتقادی همچون چتری نظریه‌هایی که از ۱۹۷۰ میلادی به بعد متولد شدند مانند جرم‌شناسی مارکسیستی، جرم‌شناسی واقع‌گرایی چپ، جرم‌شناسی فمینیستی،

جرم‌شناسی صلح‌طلب، جرم‌شناسی فرهنگی و جرم‌شناسی خبرساز را تحت پوشش انگاره‌های خود دارد.

جرم‌شناسی پست‌مدرن یا التقاطی<sup>۵</sup> نیز، به‌زعم اکثر جرم‌شناسان یکی از چشم‌اندازهای جرم‌شناسی انتقادی است، حال آن‌که برخی بر این باورند خود جرم‌شناسی انتقادی، تجلی و بیانی از دیدگاه‌های پست‌مدرن است. دیدگاه گروه اول، بیشتر به علت رویکرد انتقادی رادیکال و افراطی جرم‌شناسی پست‌مدرن نسبت به جرم‌شناسی تحقیقی و ترتب تاریخی پیدایش آن است، اما دیدگاه مخالف بر این است که جرم‌شناسی پست‌مدرن هرچند به شکلی که امروز بیان می‌شود از جرم‌شناسی انتقادی سابقه کمتری دارد، اما نظریه‌های مطروحه در آن از آبخور پست‌مدرنیسم سیراب می‌شود که از دهه ۱۹۳۰ میلادی با نوشته‌های لاکان متولد شد و جرم‌شناسی انتقادی نیز در رد دستاوردهای جرم‌شناسی تحقیقی، پست‌مدرن عمل کرده است.

بررسی عملکرد دادگاه‌های کیفری ایران از منظر جرم‌شناسی انتقادی، می‌تواند فرصت‌هایی برای بهبود فرآیند پیشگیری از جرم فراهم کند. هدف این پژوهش، واکاوی چالش‌ها و محدودیت‌های عملکرد دادگاه‌های کیفری در پیشگیری از جرم و ارائه راهکارهایی برای تقویت این نقش با تأکید بر دیدگاه‌های جرم‌شناسی انتقادی است. پیشگیری از جرم یکی از اهداف کلیدی نظام‌های عدالت کیفری است که نقش دادگاه‌های کیفری در این فرآیند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با این حال، بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که در نظام قضایی ایران، تمرکز اصلی دادگاه‌ها بیشتر بر مجازات و اجرای قوانین کیفری است تا اصلاح و بازتوانی اجتماعی مجرمان یا کاهش عوامل ساختاری جرم‌زا.

۵- عبارت ترکیبی *constitutive criminology* که جرم‌شناسان پست‌مدرن در برخی موارد بر تحقیقات خود نهاده‌اند، دارای برگردان‌های مختلفی از قبیل جرم‌شناسی تأسیسی (شاملو و کاظمی جویباری، ۱۳۹۴: ۵۵)، «جرم‌شناسی مبنایی» و «جرم‌شناسی ایجادی یا ترکیبی» (صفاری، ۱۳۸۳، ۵۰۷) و «جرم‌شناسی برساخت‌گرایی» (کاظمی جویباری، ۱۳۹۴، ۶) است؛ لکن با توجه به چهارچوب مطالعاتی نظریه‌پردازان این حوزه فکری و آغوش باز آن‌ها در پذیرش رویکردهای مختلف و گه‌گاه متضاد که منجر به حضور طیف وسیعی از قالب‌های فکری شده است، عنوان «جرم‌شناسی التقاطی» مناسب‌تر و رساتر به نظر رسید.

این رویکرد غالباً باعث می‌شود که فرآیند پیشگیری از جرم به طور کامل محقق نشود و نرخ بازگشت به جرم همچنان بالا باقی بماند.

در عین حال، جرم‌شناسی انتقادی، با تأکید بر تحلیل ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی جرم و نقش قدرت در شکل‌دهی مفاهیم جرم و عدالت دیدگاه‌های متفاوتی را درباره پیشگیری از جرم ارائه می‌دهد. این رویکرد معتقد است که بدون اصلاح ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که منجر به وقوع جرم می‌شوند، عملکرد دادگاه‌های کیفری نمی‌تواند در پیشگیری از جرم اثربخش باشد. بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش، واکاوی این موضوع است که چگونه دادگاه‌های کیفری ایران می‌توانند از منظر جرم‌شناسی انتقادی، نقشی فعال‌تر و مؤثرتر در پیشگیری از جرم ایفا کنند؟ این مسئله از آن جا اهمیت می‌یابد که نه تنها به کاهش جرائم کمک می‌کند، بلکه اعتماد عمومی به عدالت کیفری را نیز افزایش می‌دهد.

بدین سان روش تحقیق پژوهش حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی بوده و جهت تدوین آن از منابع کتابخانه‌ای فارسی و آمارهای رسمی استفاده شده است. بر آنیم تا به واکاوی و تحلیل ابعاد نظری و فکری جرم‌شناسی پست‌مدرن در مورد جرم، اعم از مفهوم‌شناسی و علت‌شناسی، پردازیم.

### ۱- نقش دادگاه‌های کیفری در پیشگیری از جرم

دادگاه‌های کیفری نقش مهمی در پیشگیری از جرم ایفاء می‌کنند. آن‌ها با رسیدگی به جرایم و صدور احکام، به عنوان یک بازدارنده عمل می‌کنند و احتمال تکرار جرم را کاهش می‌دهند. علاوه بر این، دادگاه‌ها با ارائه مجازات‌های متناسب، به بازسازی مجرمان و بازگرداندن آن‌ها به جامعه کمک می‌کنند. همچنین، دادگاه‌های کیفری در ایران، با صدور احکام و اعمال مجازات‌ها، در فرآیند پیشگیری از جرم نقش بازدارندگی خاص<sup>۶</sup> و عام<sup>۷</sup> را ایفاء می‌کنند. پیشگیری از جرم به سه سطح

۶- برای مجرم

۷- برای جامعه

تقسیم می‌شود: پیشگیری اولیه<sup>۸</sup>، پیشگیری ثانویه<sup>۹</sup> و پیشگیری ثالثیه<sup>۱۰</sup>. دادگاه‌ها عمدتاً در سطح پیشگیری ثالثیه فعالیت می‌کنند اما در بسیاری موارد نقش خود را در سطوح دیگر کمتر ایفاء کرده‌اند. نقش دادگاه‌های کیفری در پیشگیری از جرم شامل موارد فوق می‌گردد: اول- بازدارندگی: مجازات‌های قانونی که دادگاه‌ها تحمیل می‌کنند، می‌توانند افراد را از ارتکاب جرم منصرف کنند. ترس از مجازات، به‌عنوان یک بازدارنده، می‌تواند در کاهش جرایم مؤثر باشد. دوم- پیشگیری از تکرار جرم: با صدور احکام مناسب و ارائه فرصت‌های بازسازی برای مجرم، دادگاه‌ها می‌توانند از تکرار جرم توسط آن‌ها جلوگیری کنند. این امر، هم به نفع جامعه است و هم به نفع مجرم که فرصت دوباره‌ای برای زندگی سالم به دست می‌آورند. سوم- تأثیر بر رفتار مجرم: فرآیند دادگاه و مجازات‌های تحمیل‌شده، می‌توانند بر رفتار مجرم تأثیر بگذارند و آن‌ها را به اصلاح و تغییر رفتار سوق دهند. این امر می‌تواند به بازگرداندن مجرم به جامعه و کاهش میزان جرایم کمک کند. چهارم- تأثیر بر جامعه: با برخورد قاطع با جرایم و صدور احکام مناسب، دادگاه‌ها می‌توانند اطمینان عمومی را تقویت کنند و به ایجاد جامعه‌ای امن‌تر کمک کنند. این امر، به نوبه خود، می‌تواند در کاهش میزان جرایم مؤثر باشد. پنجم- تسهیل فرایند کیفری: دادگاه‌ها با رسیدگی به پرونده‌ها و صدور احکام، فرآیند کیفری را تسهیل می‌کنند. این امر، به نوبه خود، می‌تواند در کاهش بار روی دستگاه قضایی و بهبود عملکرد آن مؤثر باشد.

پست‌مدرنیسم شکاک با ارزیابی منفی، بدبینانه و پوچ‌گرایانه استدلال می‌کند که عصر پست‌مدرن عصر چندپارگی، خردشدگی، بی‌قراری، بی‌مفهومی و ابهام و یا حتی غیبت پارامترهای اخلاقی و هرج‌ومرج و آشفتگی اجتماعی، مرگ سوژه و مرگ مؤلف است. شکاکان، هیچ پایه و اساسی برای عینیت و حقیقت قائل نیستند. از چشم‌انداز آن‌ها، حقیقت یا وجود ندارد یا نمی‌تواند کشف شود و از

۸- کاهش عوامل زمینه‌ساز جرم

۹- مداخله در مرحله اوایل وقوع جرم

۱۰- بازتوانی مجرم

واسازی برای تضعیف کردن تمامی ادعاهای مرتبط با حقیقت استفاده می‌کنند. با نفی حقیقت واحد، تمامی نظریه‌ها، به‌اندازه هم خوب و صحیح هستند و هیچ کدام بر دیگری برتری ندارند. بنابراین، «تمامی منازعه‌ها و کشمکش‌ها پوچ و بی‌اساس تلقی می‌شود چرا که همه چیز نسبی است».

دانشمندان علوم اجتماعی مدرن، جامعه را متغیر می‌بینند. ولی تجزیه و تحلیل خود را در مورد وقایع جامعه به‌عنوان یک قانون، ثابت، لایتغیر و اصیل می‌شمارند. نظریه پرداز اجتماعی پست‌مدرن، جامعه را متغیر و خود را متغیر می‌بیند و تجزیه و تحلیل خود را از جامعه، نه به‌عنوان یک قانون بلکه به‌عنوان یک نگرش متغیر مطرح می‌کند (روسائو، ۱۳۸۱، ۲۹). در پست‌مدرن هیچ چیز قابل تعریف نیست، زیرا همه چیز در زمان و مکان متغیر است. در این نگرش تعریف واقعیت عینی ناممکن است. اشتباه گذشتگان این بود که فکر می‌کردند قادر به شناخت جهان هستند، چون حقیقت منتظر کشف شدن است، اما در پست‌مدرن این شیفتگی وجود ندارد و از منظر پست‌مدرنیست‌ها واقعیت بر ساخت اجتماعی متأثر از فضا و زمان‌های گوناگون است.

علم اجتماعی مدرن علیت را پذیرفته است و پیشگویی و پیش‌بینی را امری متقن و ضروری قلمداد می‌کند، اما جامعه‌شناسی پست‌مدرن قائل به «بینامتنیت» است. در این دیدگاه هر متنی به متن دیگر ربط دارد و یک متن «نه واحدی خودمختار و مستقل از ایدئولوژی، سیاست و زندگی افراد و تاریخ، بلکه در پیوند فشرده با این منابع است» (رشیدیان، ۱۳۹۴، ۱۴۰)، لذا باز کردن این گره‌های کور ناممکن است.

جرم‌شناسان پست‌مدرن برآنند که برای دفع گرایش‌های پوچ‌گرایانه و نهیلیستی در پست‌مدرنیسم نیاز به یک چهارچوب مثبت از پست‌مدرنیسم است. پست‌مدرنیست‌های مثبت نیز مثل شکاکان، حقیقت کلی و جهان‌شمول و این ایده که حقیقت در «جای خاموش» در انتظار کشف است<sup>۱۱</sup> را رد می‌کنند، اما بسیاری از آن‌ها، امکان شکل مخصوصی از حقیقت محلی، شخصی و

۱۱- نیچه پرسید که چه کسی، پیشاپیش، میتواند ثابت کند که در پدیدارهای پیش روی ما که هنوز آن را نمی‌شناسیم، معنایی نهفته است؟ چرا از این راه نرویم که قبول کنیم این خواست خود ما است که این پدیدار معنا داشته باشد؟ چرا معنایی

جمعی را می‌پذیرند و بر بازگشت سوژه تأکید می‌کنند. پست‌مدرنیست‌های مثبت برای حقیقت و تئوری جانشین و قائم‌مقام در نظر می‌گیرند. آن‌ها بر انواع مسلمی از روایت‌های خرد و نه فراروایت‌ها تأکید می‌ورزند. به‌عنوان مثال، روایت‌های سنتی مثل امثال و حکم، افسانه، داستان‌های شیرین و دلنشین، داستان‌های تخیلی، تکه‌پاره‌ها، قطعات، داستان‌های عامیانه و خرده داستان‌ها را تحسین می‌کنند. داستان‌های سنتی بر زندگی بومی متمرکز است، نه ادعای حقیقت دارد و نه مدعی تئوری جامع است و هیچ تعمیم تئوریک یا حقیقت‌غایی را مطرح نمی‌کنند. روایت انسان سنتی، اشتباه را می‌پذیرد، تناقض و نسبیت را قبول دارد (روسنائو، ۱۳۸۱، ۱۴۶).

جرم‌شناسان پست‌مدرن با توجه به انگاره‌های پست‌مدرنیسم مثبت در جست‌وجوی این هستند تا در عین‌واسازی به بازسازی نیز پردازند. آن‌ها در عین تکذیب هرگونه مطلق‌انگاری در شناخت حقایق، به حقایق نسبی و موقتی باور دارند، لذا در مورد پدیده‌ای به نام جرم، آن‌ها به‌طور کامل منکر وجود آن نمی‌شوند، بلکه در عین تکذیب وجود رفتارهایی که در تمام زمان‌ها و مکان‌ها جرم بوده‌اند، به آسیب‌های موقتی، زودگذر و قابل تغییر باور دارند. همچنین آن‌ها به‌رغم هم‌سویی با شکاکان در رد رابطه علیت خطی و پیش‌بینی‌پذیری، بر این هستند که با توسل به نظریه‌های جدید مانند نظریه آشوب می‌توان به نظمی در این بی‌نظمی دست یافت و جهان را، نه به‌طور کامل، بلکه با احتمالات پیش‌بینی کرد.

## ۲- جرم‌شناسی انتقادی و نقد عملکرد دادگاه‌ها

شاید هیچ واژه‌ای در فرهنگ حقوقی و جرم‌شناسی به اندازه واژه جرم، از تعریف‌گریزان نباشد. بخشی از این اتفاق ناشی از تعریف مدور این واژه است. به‌طور مثال در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی

---

که همچون حقیقت‌نهایی و نهایی متن یا پدیدار معرفی می‌شود، تأویلی تازه ندانیم که خودمان به دلیل کارکردانه‌ای (که نیچه نام آن را «خواست قدرت» گذاشته است) آن را آفریده‌ایم؟ حقیقت چیزی نیست که جایی باشد تا شاید یافته و کشف شود. بلکه چیزی است که باید آفریده شود و به یک فرآیند، یا به خواستی، خواست پیروزی که در خود نهایت ندارد، نام بخشد. ارائه حقیقت باید همچون فرآیندی بی‌پایان (تعیین‌کنندگی فعال) باشد و نه همچون آگاه شدن از چیزی در خود بسته و تعیین شده. حقیقت معادلی است برای خواست قدرت (احمدی، ۱۳۹۴، ۸۴).

مصوب ۱۳۹۲ «جرم هر فعل یا ترک فعلی است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد»، بدین‌سان، در قانون جرم تعریف ذاتی و فی‌نفسه ندارد، بلکه متکی و منوط به وجود مجازات است. علاوه بر این، اختلاف‌نظرهای فراوانی پیرامون این موضوع وجود دارد که چه رفتارهایی را با ضمانت اجرای کیفری همراه کنیم تا وصف جرم به خود بگیرند؟ در نتیجه، می‌توان گفت با نسیت فرهنگی و تاریخی و تا حدی دلبخواهی و اختیاری در چیستی جرم و مصادیق آن مواجهیم. در واقع، چون هیچ تعریف عینی از جرم و این که چه رفتاری جرم محسوب می‌شود وجود ندارد، هر تعریفی از جرم قابل توجه و ریشه در بنیان‌های فکری معرف آن دارد.

نظریه‌های جرم‌شناسی در تعریف جرم را می‌توان با توجه به دو ویژگی بررسی کرد: اول این که، نظریه‌های جرم‌شناسی در شناخت جرم قائل به بافتار قانونی هستند یا بافتار فراقانونی؟ و دوم این که، از منظر نظریه‌های جرم‌شناسی آسیب به چه چیز یا چه کسی و با چه کیفیتی باید جرم تلقی شود؟ در مورد موضوع اول، برخی از متون جرم‌شناسی در نقطه شروع تحلیل‌های خود تعریف قانونی جرم را پذیرفته‌اند و جرم را هر رفتاری می‌دانند که در قانون با مجازات همراه باشد. نظریه‌پردازان مکتب کلاسیک کمی فراتر رفته‌اند و جرم را «فعل یا ترک فعل عمدی در نقض قوانین کیفری تلقی می‌کنند که بدون هیچ دفاع و توجیهی ارتکاب یافته و توسط حاکمیت با مجازات همراه می‌شود».

اندیشه عمدی بودن رفتار ناشی از دیدگاه کلاسیک در مورد انسان است، مبنی بر این که انسان‌ها افرادی محاسبه‌گر و عقلانی هستند و بر مبنای سود و زیان اقدام به انجام رفتار می‌نمایند. به معنای دیگر باور به آزاد بودن انسان در انتخاب یکی از گزینه‌های پیش رو منجر به تعریف جرم در بستر عنصر معنوی و پذیرش مسئولیت کیفری برای وی می‌شود. برخی دیگر از تعاریف در مورد جرم نه با تکیه بر انسان، بلکه ناشی از مفروضات مدرنیستی در مورد جامعه است. این اندیشه‌ها، از دیدگاه کلاسیک ترتیب‌بندی می‌شوند که در شناخت جرم قائل به اجماع است و باعث می‌شود حاکمیت اقدام به تعریف

جرم نماید<sup>۱۲</sup> تا دیدگاه تضاد و انتقادی که جرم را برساختی اجتماعی در جهت تأمین منافع قدرتمندان می‌داند و در نتیجه با رد گزینش‌گری قانون‌گذار در جرم‌انگاری، اعتقاد به بافتاری فراقانونی در شناخت جرم دارد که به موجب آن باید برخی جرم‌انگاری‌ها و جرم‌زدایی‌ها صورت گیرد.

بدین ترتیب، برخی نظریه‌ها قائل به بافتار قانونی در تعریف جرم هستند و صرفاً رفتارهایی را جرم تلقی می‌کنند که در قانون با ضمانت اجرای کیفری همراه هستند و بسیاری از نظریه‌ها، بافتاری فراقانونی در هستی جرم را مدنظر قرار می‌دهند و بدین‌سان خود را از چهارچوب نگاه رسمی خارج می‌کنند و در پی تغییر در سیاهه جرایم هستند. جرم‌شناسان پست‌مدرن با پذیرش دیدگاه اخیرالذکر، جرم را چیزی ورای نقض قوانین نوشته که از وفاق اجتماعی حول ارزش‌ها و هنجارها منتج شده است، می‌دانند. تعاریف قانونی از جرم، صرفاً مجموعه‌های انتخابی از صدمات و بی‌عدالتی‌ها هستند. نظریه پست‌مدرن استدلال می‌کند که تعاریف قانونی جرم، از بررسی بافتار یا معنای جرم ناتوان است و جنبه‌های تکاملی و دائم‌التغییر گفتمان را که منجر به ساخت و تفسیر این که چه اشکالی از گفتمان مجرمانه هستند را در نظر نمی‌گیرد و همچنین تفاسیر قانونی از جرم در درک و بررسی اوضاع و احوالی که به موجب آن گفتمان فعال انسانی مجرمانه می‌شود ناتوان است.

جرم‌شناسان پست‌مدرن با جامعه‌شناسانی موافق‌اند که جرم را برساختی اجتماعی و به‌عنوان صدمه و خسارت محسوب می‌کنند و منبع اصلی این صدمه را ساختار قدرت با تأکید بر زبان می‌دانند. روابط نامتناسب قدرت مبتنی بر ساختارهای تمایز شرايطی را فراهم می‌کند که جرم را به‌عنوان صدمه تعریف می‌کند. بدین‌سان این جرم‌شناسی برای جرم و قانون به‌عنوان معرف آن، حقیقت ذاتی قائل نیست، موضوعی که متأثر از پست‌مدرنیسم است.

در پست‌مدرن حقیقت امر ثابتی نیست و در جهان واقعیتی وجود ندارد. حقیقت ناشی از عملکرد انسان‌ها در جهان خارج است. هیچ امری اعم از جرم، حقیقت ذاتی ندارد و شناخت هر متنی بستگی

به ذهن و اندیشه خواننده آن دارد که این ذهن نیز در زنجیرهای زمانی و مکانی است. به معنای دیگر، محقق زمانی که با واقعیت ذهنی خود زندگی می‌گذراند، آن واقعیت را بخشی از حقیقت ناپیوسته وجودی موضوع مورد مطالعه قلمداد می‌کند و در مقابل، مخالفان آن رویکرد را انسان‌های ناآگاهی خطاب می‌کند که غرق در برداشتهای سوءگیرانه خود شده‌اند و امیدی به بازگشت آن‌ها از دریای موج جهل مرکب شان وجود ندارد؛ حال آن که رقیب نیز همین برداشت را دارد. این باور جرم‌شناسان پست‌مدرن منجر به نسبی‌گرایی در شناخت جرم و متعاقباً انکار قانون به‌عنوان حقیقت نهایی برای شناخت جرم توسط آن‌ها می‌شود؛ نتیجه‌ای که با کمی تعمق قطعاً دور از واقعیت نبوده و منجر به تغییر نگاه نسبت به قانون به‌عنوان کتاب عقلانی بشری می‌شود.

برای نمونه در تعریف جرم از منظر نویسندگان ایرانی، برداشتهای متفاوتی وجود داشته است. نویسندگانی که ذهن خود را با حقایق حقوق غربی ساخت‌بندی کرده‌اند، با نصب‌العین قرار دادن اصل قانونی بودن جرم، وجود هر چیزی غیر از قانون را برای تعریف و شناخت جرم غیرقابل قبول تلقی می‌کنند و بر این باورند که تنها معرف جرم، قانون است<sup>۱۳</sup> و از طرف دیگر فقهای که غیر از دیدگاه اسلامی خود وجود هیچ شناختی را بر نمی‌تابند مردم را ملزم به آگاهی از کلیه کتب فقهی می‌دانند.<sup>۱۴</sup>

چه راحت برترین اصل حقوقی که پایه‌های عدالت کیفری را تشکیل می‌دهد، بازیچه به‌ظاهر اندیشمندان حقوقی می‌شود. چگونه جرم را تعریف و مصادیق آن را شناسایی کنیم؟ حال آن که تکلیف بر ما روشن نیست. مگر نه آن است که جهل به قانون رافع مسئولیت نیست؟ قانون، کدامین قانون که بین متخصصان آن، مفهوم و تعریف روشنی ندارد. حتی اگر در قوانین ایران به‌رغم

۱۳- برای نمونه از این نویسندگان که به‌رغم وجود ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ارجاعات مکرر قانونی به شرع همچنان به رعایت اصل قانونی بودن جرم ایمان دارند رک: به: اردبیلی، محمدعلی، ۱۴۰۴، حقوق جزای عمومی، چاپ هفتادوششم، تهران، انتشارات میزان.

۱۴- قانون‌گذار ایرانی به‌رغم تصریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پذیرش اصل قانونی بودن جرم، در بسیاری از ماده‌های قانونی برای شناخت رفتار به‌عنوان جرم و احکام آن، مخاطب قانون را به شرع ارجاع داده است. برای نمونه می‌توان ماده‌های ۱۵، ۱۷، ۱۰۳، ۱۲۷، ۱۵۸ و ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را نام برد.

ارجاعات مکرر به شرع، قائل به اصل قانونی بودن جرم باشیم، باز هم به نظر می‌رسد، مضحک‌ترین اصلی که در حقوق کیفری وجود دارد، اصل قانونی بودن جرم و مجازات است. قانون مملو است از کلمات تفسیربردار که در این تفاسیر، هر مفسری، تفسیر خود را حقیقت نهایی و مطابق با اراده خداوند، وجدان جمعی جامعه و عدالت تلقی می‌کند و چه مظلومانند این محک‌های سنجش که به نام آن‌ها چه رفتارهایی که جرم تلقی نشده و چه واکنش‌های کیفری که صورت نمی‌گیرد.

برای درک این مطلب مثال‌هایی مطرح می‌کنیم. مثال اول، در ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و در راستای اصل عطف به ماسبق نشدن که از نتایج اصل قانونی بودن جرم است، منظور قانون‌گذار از عبارت «مقررات و نظامات دولتی» مشخص نیست، آیا این عبارت صرفاً شامل تعزیرات غیرمنصوص شرعی می‌شود یا به‌طور کلی شامل تعزیرات، اعم از منصوص و غیرمنصوص می‌شود؟ البته از کنار این موضوع گذر کنیم که قانون‌گذار عبارتی را در قانون به کار برده است به نام «تعزیرات منصوص شرعی» و بسیاری جرایم را از این نوع می‌دانند، درحالی که خود قانون‌گذار نتوانسته آن جرایم را تعریف و مصادیق آن را شمارش کند.

مثال دوم، قانون در بسیاری از ماده‌های قانونی برای جرم تلقی کردن یک رفتار یا مجازات مرتکب، معیار «شرع» را مطمح نظر قرار داده است، برای نمونه در ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجازات حدی، مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در «شرع مقدس» تعیین شده است، اما نکته بسیار مهم، مبهم بودن شرع است. متخصصان این حوزه در قوه مقننه و شورای نگهبان در تعیین ملاک شرع، اختلاف نظر دارند. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، سه جرم حدی «افساد فی الارض»، «ساب‌النبی» و «بغی» مورد تصریح قانون‌گذار قرار نگرفته بود، در حالی که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این سه جرم به قانون مجازات اسلامی افزوده شد و جالب آن که سه جرم حدی «ارتداد»، «بدعت» و «سحر و جادو» نیز در پیش‌نویس قانون مجازات اسلامی وجود داشت که در تصویب نهایی از قانون حذف شد و جالب‌تر آن که در جرم «افساد فی الارض» در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی

مصوب ۱۳۹۲ تعریفی از این جرم ارائه شده است که هیچ پیشینه شرعی نیز ندارد. مثال سوم این که قانون‌گذار در ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ صراحتاً اقدام به نقض اصل قانونی بودن جرم کرده است و در جرایم حدی منابع معتبر اسلامی را ملاک قرار داده است. درحالی که خود قانون‌گذار در شناخت منابع اسلامی ناتوان است و هر زمان برداشت نسبتاً متفاوتی از آن‌ها ارائه می‌دهد، تمامی افراد جامعه باید نسبت به آن‌ها اشراف داشته باشند.

این سه مثال که به واقع مشتئی از نمونه خروارهای نقض اصل قانونی بودن جرم است، این نتیجه را به همراه دارد که اصل قانونی بودن جرم، به‌عنوان معیار سنجش و شناخت جرم که از دستاوردهای مدرنیته است، هیچ حقیقت ذاتی ندارد و بسیار متزلزل، ازهم گسیخته و نمادین است. خرد بشری حتی در وضع درست این اصل ناتوان است که البته این ناتوانی ناشی از نسبی بودن مفاهیم و حقایق نیز است. هر امری نسبی است و بستگی به فضا و زمان معرف آن دارد، حتی در جرایم ثابت شرعی ما مشاهده می‌کنیم که برخی از این جرایم نه ثابت هستند و نه شرعی.

علاوه بر ابهام در این که در شناخت جرم به کدامین منبع باید مراجعه کرد، خود جرم، چستی و ماهیت واحد و ثابتی ندارد، حتی در جرایمی که هریک از ما گمان می‌بریم در هر زمانی و فضایی جرم بوده و سرزنش می‌شده‌اند، مانند قتل، با کمی تدقیق متوجه خواهیم شد که گمان نادرست داشته ایم. سلب حیات از دیگری نیز گاهی اوقات نه تنها مذموم نیست، بلکه ستایش نیز می‌شود. تفاوت عملیات استشهادی و انتحاری، نسبت به یک عمل واحد، در نگاه انسان‌ها است. کشتن یک همسر خیانتکار، خواهری که مرتکب رابطه‌های خلاف عرف و شرع شده است و حتی شخصی که در خیابان لحظه‌ای نگاه نادرست به ناموس فرد داشته است، در کشورمان از منظر برخی افراد که «غیرت» را بالاترین ویژگی انسانی می‌دانند رفتاری قابل تقدیر و تأیید است، لکن برای کسانی که اعتقادی به رفتارهای خشونت‌آمیز ندارند، حرکتی ناپسند و مجرمانه تلقی می‌شود. البته این نه بدین خاطر که گروه دوم غیرت ندارند، بلکه غیرت نیز مفهومی نسبی است و حقیقت واحدی ندارد.

با دخالت دیدگاه پست‌مدرن در شناخت مفهوم جرم، نمی‌توان برای تعریف جرم قائل به وجود

حقیقتی به نام قانون شد و جرم را پدیده‌ای حقیقی در بافتار قانونی دانست؛ چرا که اولاً، خود قانون فارغ از تمام اشکالات شناختی در تعریف جرم، کتابی گزینش شده توسط قدرتمندان است که صرفاً برخی از صدمات را جرم‌انگاری کرده و تکیه بر آن برای تعریف جرم، بازتولید قدرت حاکم است. یکی از بزرگ‌ترین موانع بر سر راه کسب آزادی و پیشرفت غرق شدن در واقعیت ستمگرانه است. وظیفه ستم رام کردن است و برای این که آدمی پیش از آن صید آن نشود، باید از آن به درآید و بر آن چیره گردد. در نتیجه، پذیرش صرف قانون یعنی تبدیل شدن انسان به محجوری که توانایی تعقل خود در شناخت بد و خوب را از دست داده است و هر روز گوش به فرمان قیم‌های خود است تا برای او مشخص کنند که چه باید بکند و نکند و در این میان اگر ذره‌ای از مسیر تعیین شده خارج شود با چماق حمایت از جامعه آن‌چنان بر سر او کوفته می‌شود تا علم بیشتری بر جهل خود پیدا کند و آسان‌تر و شدیدتر تن به پذیرش قانونی بدهد که عالمان برای وی نوشته‌اند.

پست‌مدرن جرم را بر دو گونه دسته‌بندی می‌کند که عبارت‌اند از: جرایم تقلیل‌گر و جرایم سرکوبگر. جرایم تقلیل‌گر زمانی اتفاق می‌افتند که افراد نسبت به کیفیاتی که دارا می‌باشند دچار زیان می‌گردند. این امر می‌تواند ناشی از سرقت اموال آنان باشد یا شأن و منزلت آنان به دلیل جرایم مبتنی بر نفرت مورد خدشه واقع شود. جرایم سرکوبگر زمانی رخ می‌دهند که انسان‌ها محدودیت‌هایی را تجربه می‌کنند و یا از دسترسی آنان به موقعیت مورد علاقه‌شان جلوگیری می‌شود. آنان ممکن است که از دستیابی به اهداف شغلی به دلیل تبعیض نژاد و یا جنسیت باز بمانند و یا با «سقف شیشه‌ای» مواجه شوند. در نتیجه، صدمات تقلیل‌گر یا سرکوبگر می‌تواند مبتنی بر هر ضابطه‌ای مانند اقتصادی، سیاسی، اخلاقی، حقوق بشر، جایگاه اجتماعی و وضعیت روانی باشد. هر ضابطه‌ای را که در نظر بگیریم با توجه به توضیحات فوق‌الذکر جرم، یا فرد را از جایگاهی که دارد دور می‌کند و یا در راه وی بر سر رسیدن به جایگاهی که دوست دارد، مانع ایجاد می‌کند. در نتیجه، جرم‌شناسی پست‌مدرن وجود آسیب را به رسمیت می‌شناسد و آن را کتمان نمی‌کند و حتی نوع آسیب و گروه مخاطب آن را نیز گسترش می‌دهد.

جرم‌شناسی انتقادی، به بررسی ارتباط میان ساختارهای نابرابر اجتماعی و جرم می‌پردازد و نقد می‌کند که نظام قضایی ایران عمدتاً بر مجازات فردی تمرکز دارد و کمتر به اصلاح ساختارهای اجتماعی و اقتصادی توجه می‌کند. این نگاه معتقد است که نابرابری‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی باعث تولید جرم می‌شوند و عملکرد دادگاه‌ها باید فراتر از مجازات‌های فردی باشد.

### ۳- علت‌شناسی جنایی

جرم‌شناسی پست‌مدرن در تحلیل چرایی ارتکاب جرم در کنار نظریه‌هایی همچون تبارشناسی و تحلیل گفتمان، قائل به پیچیده بودن انسان و روابط اجتماعی و انسانی است و برای فهم این سیستم پیچیده از نظریه آشوب استفاده می‌کند. دلایل ارتکاب جرم در نظریه‌های جرم‌شناسی مدرن تابع یک نمودار خطی است<sup>۱۵</sup>، اما بر اساس نظریه آشوب، علل ارتکاب جرم تابع دینامیک غیرخطی و بسیار حساس به شرایط اولیه است.

نظریه آشوب، برای فهم نظام‌های پیچیده و آشوبناک که مشخصه‌هایی مانند غیرقابل پیش‌بینی بودن، غیرخطی بودن، حساس به شرایط اولیه و... دارند، به کار گرفته می‌شود و از چشم‌انداز نظری «سازگار با پارادایم پست‌مدرن است که با تأکید بر پیچیدگی و تنوع آزمون و تجربه، پارادایم اثبات‌گرایی جبرگرا را به چالش می‌کشد». بهترین مثال برای درک مشخصه‌های ذکر شده در بستر نظریه آشوب مثال «اثر پروانه‌ای» است، مبنی بر این که بال‌زدن یک پروانه در آسیای شرقی می‌تواند منجر به طوفانی در امریکای شمالی شود. در فضای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، البته با کمی دقت،

۱۵- این بینش‌ها در جرم‌شناسی ناشی از پارادایم غالب مدرنیته یعنی پارادایم نیوتنی است. از نظر نیوتن طبیعت ماشین خوش‌رفتاری است که خداوند با قوانین معینی آن را به کار انداخته است، اگر این قوانین را پیدا کنیم می‌توان طبیعت را تحت اختیار قرار داد. در این چهارچوب، تغییرات قابل پیش‌بینی، پیشگیری و برنامه‌ریزی می‌باشند. در پارادایم نیوتنی، سازمان به‌مثابه ماشینی است که با یک طرح دقیق از پیش تعیین شده و با استقرار انسان‌ها به‌عنوان اجزای این ماشین در محل‌های تعیین شده قادر خواهد بود در مسیری که برای آن پیش‌بینی شده است، حرکت کند. بر اساس این پارادایم روابط علت و معلولی در یک جهان ساده و بی‌آلایش به‌طور متوالی، به ترتیب تقدم و تأخر و به‌صورت خطی هستند. در واقع، همه چیز قابل کنترل است و تعادل و نظم یک امر مقدس می‌باشد (مرادی و شفیعی سردشت، ۱۳۹۰، ۹۶).

این بال‌های پروانه که بر رفتار انسانی تأثیر می‌گذارند و طوفانی به نام جرم را به راه می‌اندازند بسیار قابل لمس‌تر از مثال ذکر شده هستند. چه اختلافات خانوادگی غیر قابل اهمیتی که قتل‌های متعددی را رقم زده است و چه بسیار شرایط زمانی و مکانی متفاوت که یک انسان متعهد و وظیفه‌شناس را به رئیس کوره‌های انسان‌سوزی تبدیل کرد و بالاتر از آن، چه اشخاصی که یک تغییر کوچک در سرنوشت‌شان، تقدیر میلیون‌ها انسان را تغییر داده و هزاران مجرم و بزه‌دیده خلق کرده است.<sup>۱۶</sup>

به‌طور قطع ادعای پیش‌بینی آینده که در فیزیک نیوتونی و جرم‌شناسی تحقیقی موجود است و لاپلاس با این نوشته که «حالت فعلی عالم ممکن است معلول حالت قبلی و علت حالت بعدی تلقی شود و اگر حالت عالم در لحظه آفرینش آن با تمام جزئیاتش برای یک ریاضیدان بی‌نهایت دانشمند، کاری مشخص می‌بود، چنین موجودی می‌توانست همه سرنوشت جهان را تماماً بخواند. هیچ‌چیز برای وی نامعین نمی‌بود و آینده و گذشته جهان در جلو چشم وی حاضر بود (قدردان قمرملکی، ۱۳۸۹، ۶۳)، به آن ایمان دارد، در اکثر اوقات رویایی دوست‌داشتنی برای در آغوش گرفتن آینده‌ای امن و به دور از خطر است.

البته به نظر می‌رسد، جبرگرایی و تعین‌گرایی در همه نظریه‌های جرم‌شناسی مدرن و نه فقط جرم‌شناسی تحقیقی نهفته است؛ زیرا مگر می‌شود به دنبال رابطه علی و تعیین‌چرایی جرم بود ولی قائل به جبرگرایی نبود؟ به عبارت ساده‌تر، هنگامی که می‌گوییم علل ارتکاب جرم را یافته‌ایم، با اقدامات مختلف اعم از پیشگیری کیفری و غیر کیفری می‌توانیم ارتکاب جرم را کاهش دهیم و مجرمان بالقوه را از ارتکاب جرم منصرف کنیم، باور به این داریم که اگر به عقب برگردیم و آن علت را از بین ببریم و یا در وضع کنونی در افراد حاضر در جامعه آن علت‌ها را نابود کنیم، دیگر معلولی به نام جرم به وقوع نخواهد پیوست.

بدین‌سان عقیده به رابطه علی خطی، ناگزیر و ناخودآگاه ایده جبری‌بودن نظام‌های طبیعی و

۱۶- هیتلر دو بار برای ورود به دانشکده هنر اقدام می‌کند ولی هر دو بار مردود می‌شود. چه‌بسا اگر شرایط اولیه یک تفاوت کوچک می‌کرد و وی مشغول هنر نقاشی می‌شد دیگر نه جنگ جهانی رخ می‌داد و نه...

انسانی را به همراه خواهد داشت و متعاقباً به ما القاء می‌کند که می‌توانیم آینده را تحت کنترل خود درآوریم، اما پست‌مدرنیسم معتقد است که تمام رویکردهای موجود برای جلوگیری از جرم یا کاهش آن سراب‌هایی بیش نبوده‌اند و ما همچنان در حال آزمون و خطا هستیم. لذا از چشم‌انداز پست‌مدرنیسم، اعتقاد به نظم و رابطه علی خطی در همه سیستم‌های طبیعی و انسانی برای متفکر مدرن، همچون مادری داغدار است که مرگ فرزند خود را باور نداشته و بر مزار او گریه نمی‌کند. واقعیت این که پیش‌بینی آینده و رفتارهای انسانی به‌طور کامل امکان‌پذیر نیست، با کتمان آن از بین نمی‌رود و باید بپذیریم که فیزیک نیوتنی حاکم بر جرم‌شناسی، قادر به پاسخگویی خیلی از مسائل و چرایی‌ها نیست و به همین علت جرم‌شناسان پست‌مدرن بیش‌ازحد به نظریه آشوب در تحلیل‌های خود برای حل این سیستم‌های پیچیده وابسته هستند.

### نتیجه

جوهره جرم‌شناسی پست‌مدرن به‌عنوان یکی از زیرشاخه‌های جرم‌شناسی انتقادی این است که جرم و کنترل آن را نمی‌توان از کلیت زمینه‌های فرهنگی و ساختاری بر ساخته و نظم گرفته با گفتمانی که در آن تولید شده است جدا دانست. این جرم‌شناسی جدید از طریق تحلیلی سیناپسی، به اتصالات در هم پیچیده جرم با روابط بسیار پیچیده اجتماعی می‌پردازد. در جرم‌شناسی پست‌مدرن سوژه‌های انسانی فعالانه مسئول ایجاد جهان خود با دیگران هستند، جهانی که به‌طور هم‌زمان واکنش نشان می‌دهد و هویت خود سوژه را نیز شکل می‌دهد. از طریق تعامل اجتماعی توسط زبان و نشان‌ها، افراد تفاوت‌ها را تشخیص داده و ارزیابی می‌کنند، مقوله‌ها را می‌سازند، فعالیت‌های خود برای انعکاس این مقوله‌ها را سازمان‌دهی می‌کنند و در باور به واقعیتی که از آن ساخته شده است سهیم می‌شوند. در این نظریه تعریف قانونی از جرم پذیرفته نیست و آن‌ها جرم را هر رفتار آسیب‌رسان به هر شخص یا گروهی تلقی و آسیب را نیز به دو دسته تقسیم می‌کنند. اول آسیب‌های تقلیل‌گر و دوم آسیب‌های سرکوبگر. در جرم‌شناسی پست‌مدرن دینامیک خطی در علت‌شناسی جرم، جایگاهی ندارد و نظریه‌پردازان

این رویکرد برآند تا با فهم سیستم پیچیده روابط اجتماعی و دینامیک غیرخطی به چرایی جرم پردازند. به معنای دیگر رویکرد تک ساحتی و تک علتی که در جرم‌شناسی‌های پیش از آن وجود دارد، به‌طور کامل رد می‌شود. علت جرم را نمی‌توان تا حد یک مشکل زیستی، روانی یا اجتماعی تقلیل داد و بر آن بود که بین مشکل، یعنی علت با معلول، یعنی ارتکاب جرم رابطه خطی وجود دارد و اگر هزاران بار از نقطه A حرکت کنیم قطعاً به نقطه B می‌رسیم، چرا که انسان و روابط اجتماعی سیستم‌هایی پیچیده و بسیار حساس به شرایط اولیه می‌باشند که در نتیجه باید با توسل به نظریه آشوب در شناخت تقریبی و احتمالی آن قدم برداشت. به معنای دیگر، بنابر نظریه آشوب هرچند در شناخت روابط علی در پدیده‌های پیچیده، پیش‌بینی آینده با قطعیت قابل تعیین نیست اما چون در هر بی‌نظمی، نظم وجود دارد، می‌توان با احتمال و آمار حرکت سیستم را به‌طور تقریبی در آینده پیش‌بینی کرد که این مهم نیازمند دیدن سیستم به‌عنوان یک کل است و نمی‌توان با بررسی تک‌تک اجزاء سیستم یعنی افراد جامعه در سیستم اجتماعی حرکت سیستم را تعیین کرد، بلکه باید مجموعه رفتارهای انسانی به‌عنوان یک کل در نظر گرفته شود تا حرکت سیستم قابل پیش‌بینی باشد.

لازم به ذکر است به‌رغم پیچیدگی و نثر مشکل و اسامی و نظریه‌های بی‌شماری که در جرم‌شناسی پست‌مدرن وجود دارد، این نظریه ذهن را از حالت رکود و نگاه ساده‌انگارانه به پدیده مجرمانه خارج کرده و به این باور می‌رساند که اولاً با عینک‌های مختلف به جرم نگاه کنیم تا متوجه شویم امری که از نظر ما حقیقی جلوه می‌کند در صورت تغییر نگاه به چه میزان ساختگی و قابل چشم‌پوشی است و ثانیاً روابط انسانی و اجتماعی پیچیده‌ترین دستگاه طبیعی نظام خلقت است. بنابراین، برای فهم یک سیستم پیچیده قطعاً نیاز به یک نظریه پیچیده نیز است.

این پژوهش نشان می‌دهد که عملکرد دادگاه‌های کیفری ایران در پیشگیری از جرم، به دلیل تمرکز صرف بر مجازات و غفلت از عوامل ساختاری جرم‌زا، با محدودیت‌هایی مواجه است. اتخاذ رویکردهای مبتنی بر جرم‌شناسی انتقادی و توجه به بازتوانی مجرمان می‌تواند نقش دادگاه‌ها را در پیشگیری از جرم بهبود بخشد و عدالت کیفری را تقویت کند.

## پیشنهاد

گسترش برنامه‌های بازتوانی و اصلاح مجرمان به جای مجازات صرف. توجه به عوامل ساختاری جرم‌زا در فرایند قضایی. آموزش قضات درباره دیدگاه‌های جرم‌شناسی انتقادی و اهمیت ساختارهای اجتماعی. ایجاد سازوکارهای نظارتی برای تضمین عدالت و کاهش نابرابری‌ها در سیستم قضایی.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

## منابع

- احمدی، بابک، ۱۳۹۴، **ساختار و هرموتیک**، چاپ ششم، تهران، انتشارات گام نو.
- رشیدیان، عبدالکریم، ۱۳۹۴، **فرهنگ پسامدرن**، چاپ دوم، تهران، انتشارات نی.
- روسنائو، پائولین مری، ۱۳۸۱، **پست‌مدرنیسم و علوم اجتماعی**، ترجمه محمدحسین کاظم‌زاده، چاپ اول، تهران، انتشارات آتیه.
- شاملو، باقر و کاظمی جویباری، مهدی، ۱۳۹۴، **پست‌مدرنیسم و بازاندیشی مفهوم جرم**، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۲.
- صفاری، علی، ۱۳۸۳، **درآمدی بر جرم‌شناسی انتقادی و انواع آن**، در **علوم جنایی**، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- قدردان قرملکی، محمدحسن، ۱۳۸۹، **اختیار، قانون علیت و دترمینیسم**، **دوفصلنامه انسان‌پژوهی دینی**، شماره ۲۳.
- کاظمی جویباری، مهدی، ۱۳۹۴، **پست‌مدرنیسم و بازخوانی اندیشه کیفری**، **رساله دکتری**، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
- گوردون، مارشال، ۱۳۸۸، **فرهنگ جامعه‌شناسی آکسفورد**، ترجمه حمیرا مشیرزاده، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۹۸، **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ سی و چهارم، تهران، انتشارات نی.

- مرادی، محسن و شفیع سردشت، مرتضی، ۱۳۹۰، نظریه آشوب و کاربرد آن در بازارهای مالی، **فصلنامه**

**راهبرد توسعه**، شماره ۲۶.

- نوذری، حسینعلی، ۱۴۰۲، **صورت‌بندی مدرنیته و پست‌مدرنیته**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات  
نقش جهان.

### لاتین

- Quinney, R., 1977, *Class, State, and Crime: On the Theory and Practice of Criminal Justice*. New York: Longman.

# Legal Civilization

ISSN: 2873-1841  
ISSN: 2873-1922

No.26- Winter 2026

Analysis of the Issuing Bank's Liability under the Law of Documentary Credits

Homayoun Mafi, Mohsen Raeisi

The Role of Artificial Intelligence in Improving Criminal Investigation Processes and Digital Evidence Analysis in the Iranian Legal System

Amirreza Mahmoudi, Zahra Rahnama

Revisiting Contractual Obligations in Conditions of High Inflation: an Analysis of Adjustment Capacities in Iranian Law

Shima Shakouri, Ghasem Nabizadeh Kebrya

Iranian Criminal Policy Pathology Regarding the Crimes of Rebellion, Moharebeh and Corruption on Earth in Light of the Concept of National Security and Political Stability of the Country

Ruhollah Sheikhi, Mohammad Momahmoodi

The Framework of Civil Liability Arising from High-Risk Recreational Activities: A Study of Escape Rooms

Rahim Mokhtari, Gholamhossein Keshavarz

Handling Intellectual Property Claims in the Iranian Legal System

Sayyed Mohammadbagher Haghayeghi, Mohammadreza Nasiri, Amirhasan Abolhasani

Criminological Analysis of Crimes in the Field of Cryptocurrencies: A Study of Common Frauds in Iran

Hossein Mahmoudi Tekanloo, Roya Asiaei

Preventive Strategies for the Crime of Rent-Taking in Iran's Criminal Policy with an Emphasis on Criminological Challenges and Gaps

Fazal Movahedi, Hamidreza Konari Zhadeh, Davoud Salmanpour

An Analysis of the Principle of Proportionality Between Crime and Punishment in the Structure of the International Criminal Court

Hasan Pirfalak, Tayebe Ghodrati Siyahmazgi

Agreement Between the Parties to the Contract in Determining the Evidence to Prove the Claim

Habibolah Abdollah Poor, Mahdi Shojayi

Performance of Criminal Courts in Crime Prevention: A Critical Criminology Perspective with Focus on Iran's Judicial System

Iraj Morvati, Naghmeh Farhood

The Responsibility of States for Human Rights Violations by Private Security Companies on Foreign Missions

Mahdi Gharedaqui, Masoud Sarfarazi Saleh

The End of Centralized Governance: an Analysis of the Emergence of Decentralized Governance in the Era of Block chain and Smart Contracts

Hadi Zare, Majid Vaziri

Comparative Analysis of Social Security Compensatory Protection for Bodily Injuries and the Scope of Eligible Victims in Iran and England

Zeinab Tari

Transfer of Lawsuits in the Iranian Legal System with Emphasis on Selected Provisions of the Deeds and Real Estate Registration Law

Amirreza Alitabar

The Position of Artificial Intelligence in the Field of Criminal Policymaking

Mahbobeh Talebi Rostami

Commitment to Data Security as a Commitment to Result or a Commitment to Means in Private Law

Sayyed Amirhasan Mostafavi

Criminal Liability of Technology Companies for Crimes Committed by Users

Vahid Kioumars

Civil Liability Arising from Automated Processing of Personal Data by Artificial Intelligence in Iranian and Afghan Law

(With a Look at International Documents)

Raziyeh Jafarzade, Vahid Hamidi, Mohammadreza Rashid

The Impact of Legal Awareness and Transparency on the Prevention and Reduction of Administrative and Financial Corruption

Sayyedeh Mahshid Miri Balajorshari

Ownership of Personal Data in Private Rights; from Personality Right to Intangible Property

Sina Youseffi

Civil Liability of the Physician and Robot Manufacturer in Robotic Surgeries: Iranian and English Legal Systems

Ebrahim Shiravanian

an Analysis of the Issue of Receiving Compensation for Delayed Payment from the Convict to the Government

Mohammadmahdi Rezvanifar, Zahra Salimi

Legal and Administrative Effects of Acquisition on the Registered Status of Real Estate in the Iranian Legal System

Ehsaneh Vosoughi Monfared, Mohammad Varaste Bazghale

Economic Diplomacy and the Law of Private International Contracts; The Interaction of Politics and Law in Securing National Interests

Radmehr Rahmani Golafshan

Adoption of Artificial Intelligence-Driven Fraud Detection in Banking: The Role of Trust, Transparency, and Fairness Perception in Financial Institutions in Iran, the United Arab Emirates and Qatar

Abdolmajid Youseffi

Criminology of War in the Current Realities and the Need for its Development in Ukraine

Yasser Shakeri